

نه به اجلاس سرمایه! برای یک انترناسیونال مقاومت و مبارزه‌ی طبقاتی!

ترجمه: مینا خانی

برای ابزار مخالفت با اجلاس «جی ۲۰» به هامبورگ بیایید، و با بلوک انترناسیونال همراه شوید!

در ژوئیه‌ی ۲۰۱۷ قدرت‌مندترین اشخاص سیاسی جهان در هامبورگ گرد هم می‌آیند. بیایید به‌عنوان بخشی از مبارزات علیه استثمار سرمایه‌دارانه، سرکوب، نژادپرستی، و همچنین بر ضد امپریالیسم و جنگ، به اجلاس آن‌ها پاسخ رزمنده‌ی طبقاتی و فراملی بدهیم.

در این اجلاس رهبران خود-خوانده‌ی جهان با یکدیگر ملاقات می‌کنند، همان‌ها که با یکدیگر بر سر قدرت و نفوذ در نبردند، و در عین حال مشغول جنگ‌افروزی، ایجاد جنگ‌ها و شورش‌های داخلی در راستای منافع خویش‌اند، و بدین طریق رنج دهشتناک، آوارگی، گرسنگی و تیره‌روزی را به انسان‌ها تحمیل می‌کنند.

این نزاع قدرت امپریالیستی برای باز-تقسیم جهان بر بستر بحران دائمی نظام سرمایه‌داری به وقوع می‌پیوندد. نزاعی که به رشد نابرابری، به فقر بیشتر برای اکثریت و ثروت افزون‌تر برای اقلیتی محدود می‌انجامد. سودهای تعداد اندکی ابر-شرکت‌ها در حال افزایش‌اند، بانک‌ها با میلیاردها پول مالیات مردم «نجات» داده می‌شوند و سرمایه در حالی که نومیدانه به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور است، از بحرانی به بحرانی دیگر درمی‌غلطد. تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست ابعاد تهدیدکننده‌ای به خود گرفته‌اند و یکی از دلایل جابجایی اجباری گسترده هستند.

پاسخ‌های نخبگان حاکم برای بحران نظام‌شان هرچه بیشتر به جنگ، نژادپرستی، سرکوب و نابودی تمامی مناطق محدود می‌شوند. هرچند این پاسخ‌ها نه زیاده‌روی و افراطی‌گری حاکمان، بلکه پیامدهای اجتناب‌ناپذیر نظم جهانی سرمایه‌داری در مرحله‌ی امپریالیستی خود است. هرچه عمق بحران آشکارتر می‌شود، فعالیت‌های حاکمان درون مرزهای حاکمیت‌شان سرکوبگرانه‌تر و ارتجاعی‌تر می‌گردد. آنچه نولیبرالیسم تمامیت‌خواه نتوانست حل و فصل کند، اینک می‌بایست با بهره‌گیری از ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی و حمایت از تولیدات داخلی حاصل شود. مرزها بیش از پیش در حال تنگ‌تر و مرگ‌بارتر شدن هستند. این شیوه‌ی مرزبانی وحشیانه بخش مهمی از بسته‌ی سیاست‌هایی با انگیزه‌های نژادپرستانه است که آوارگان جویای کمک را از حقوق‌شان محروم می‌سازد. نمایندگان اجلاس «جی ۲۰»، کسانی که کشورهايشان ۸۸ درصد اقتصاد دنیا را تشکیل می‌دهند، اینک نه به‌عنوان اشخاصی با جایگاه‌های برابر، و نه برای حل بحران‌هایی که ایجاد کرده‌اند، و نه برای انجام کاری در راستای خیر بشریت، بلکه تنها برای این گرد هم جمع می‌شوند که رقابت‌های اقتصادی و نزاع‌های امپریالیستی‌شان را این بار از طریق دیپلماسی در اجلاس ادامه دهند.

هر تصمیمی که گرفته شود، تنها به زیان کشورهای فقیرتر و حتی کشورهای ضعیف‌تر عضو «جی ۲۰» خواهد بود که ملزم‌اند هزینه‌ی این تصمیمات را بپردازند. در نهایت آن تصمیمات به ضرر طبقه‌ی کارگر، فرودستان، پناهجویان و محیط زیست خواهد بود. زنان و به‌خصوص زنان کارگر و دهقان از این موج متأثر خواهند شد. حقوقی که طی دهه‌ها مبارزه‌ی پیگیر به‌دست آمده، حالا به دلیل یک عقب‌گرد جهانی در معرض خطر قربانی شدن است.

بر مبنای این دلایل، ما به این اجلاس، به نمایندگان و اهدافش نه می‌گوییم!

ما از ترامپ سکسیست و نژادپرست، از کسی که انتخابش در ایالات متحد آمریکا خود نمود جدیدی از بحران این [دولت] رهبر نقش‌آفرینی امپریالیستی است، هیچ انتظاری نداریم. حضور او به‌تنهایی دلیلی کافی برای ماست تا برای اعتراض به خیابان‌ها برویم. البته سایر اعضای این مجمع نیز، از اردوغان تا پوتین، به‌هیچ‌وجه بهتر از او نیستند. آن‌ها همه نمایندگان نظام سرمایه‌دارانه در نمونه‌هایی کم یا بیش خودکامه هستند.

و ما خودمان را احمق فرض نمی‌کنیم: دولت مرکل شیوه‌ی حکمرانی و کنترل آلمان را به‌عنوان الگوی «بهتر» برای جهان در میان سایر بدیل‌های پرش‌برانگیز می‌ستاید. تزویر و فریب‌کاری برگ‌برنده‌ی میدان است. فراخواندن تشریفاتی «دموکراسی و حقوق بشر» موزیک متنی ایدئولوژیکیست برای نقش هرچه فعال‌تر و در نتیجه قوی‌تر ارتش آلمان در نزاع برای باز-تقسیم جهان. دولت آلمان خواهان اجرای سیاست‌های ریاضتی در اروپا، محصورکردن مرگ‌بار مرزهای اروپا، تشدید ستیز طبقاتی از بالا و نیز ازمیان‌برداشتن حقوق دموکراتیک و در عین حال افزایش بی‌رویه‌ی سازوبرگ نظامی در داخل و خارج از مرزهای این کشور است.

بورژوا-دموکرات‌های فریبکار به‌هیچ‌وجه بدیلی در مقابل جنبش‌ها و احزاب ارتجاعی، ناسیونالیستی و نژادپرستانه نیستند. اگرچه رشد سرسام‌آور چنین نیروهایی عاجل‌بودن ایجاد چشم‌انداز رزمنده‌ی طبقاتی و فرامشی در ضدیت با نظام موجود را برای ما نمایان می‌سازد.

استراتژی اصلاح‌طلبانه‌ای که سوسیال‌دموکرات‌ها، رهبران اتحادیه‌ها و اعضای احزاب چپ با مدعای اصلاح نظام سرمایه‌داری به نفع همگان به‌واسطه‌ی «سیاستی دیگر» طرح کرده‌اند، طی دهه‌های اخیر به محک گذاشته شده و نشان داده است که چیزی جز یک «توهم» نیست. بزرگی زمین‌بازی آن‌ها همیشه همان‌قدر بوده است که سرمایه‌داری اجازه می‌دهد یا ظرفیت اجازه‌دادنش را دارد. به‌جای تصدیق این مسأله و درس‌گرفتن از آن، آنان هنوز اعلام می‌کنند که سیاست‌شان می‌تواند از بحران جلوگیری کند و در نتیجه تأیید می‌کنند که در واقع در پی کسب منافع خویش از سرمایه‌داری رو به احتضار هستند.

این بدان معنی نیست که ما بهبود وضعیت از طریق مبارزات برای اصلاح آن را مردود برمی‌شماریم. دقیقاً برعکس، در یک وضعیت تدافعی حاکم بر سرتاسر جهان، قطعاً ضروری است که در برابر تهاجمت با یکدیگر متحد شویم و برای بهبود وضعیت بجنگیم. اما ما به این واقعیت آگاهیم که حتی پیروزی‌های کوچک هم تنها از طریق ابزارهای مبارزه‌ی طبقاتی می‌توانند به‌دست آیند، یعنی به‌وسیله‌ی: اعتصاب‌های عمومی، اشغال فضاها، بسیج گسترده‌ی مردم و همچنین ایجاد ساختارهایی برای خود-سازمان‌یابی. طبقه‌ی کارگر و ستمدیدگان از زندگی در یک سرمایه‌داری «به‌لحاظ اجتماعی متعادل» و

«به لحاظ سیاسی عقل‌گرا» نفعی نمی‌برند. مهم‌تر این که ما ناگزیریم که خودمان را برای تشدید جنگ طبقاتی و مبارزه‌ی سازمان‌یافته علیه کل نظام آماده کنیم. درست است که نیروهای ارتجاعی در حال پیشروی هستند، اما همچنین مبارزات امیدبخشی هم در سراسر جهان در جریان است: مبارزه مردم فلسطین و کرد به روشنی نشان می‌دهد که ستم‌دیدگان به هیچ‌وجه حاضر به توقف دهه‌ها مقاومت پیگیرانه‌ی خود نیستند. در هند با وجود دولتِ شدیداً سرکوب‌گر و هویت‌گرای هندو، اعتصاب سراسری ۱۵۰ میلیون نفری نمایان‌گر بالقوگی طبقه‌ی کارگر در این کشور بود. در لهستان صدها هزار زن علیه اعمال محدودیت‌های بیش‌تر بر قانون سقط جنین - که پیش‌تر هم بسیار محدودکننده بوده است - می‌رزمند. طبقه‌ی کارگر در یونان، اسپانیا یا پرتغال در مقابل هجمه‌ی بورژوازیِ کشورشان و اتحادیه‌ی اروپا علیه آن‌ها در پی راه‌حلهایی سیاسی هستند. اعتصابات فرانسه در بهار ۲۰۱۶ خطوط کلی یک بدیل بالقوه در برابر جبهه‌ی ملی فرانسه را نشان دادند. در ایالات متحد جنبشی وسیع علیه نژادپرستی، فاشیسم و سکسیسم در حال شکل‌گیری است که در آن کنش‌گران در جستجوی بدیلی نه‌تنها برای ترامپ بلکه همچنین برای حزب دموکرات هستند.

ما راه‌پیمایی‌های اعتراضی‌مان در هامبورگ را در همبستگی با همه‌ی کسانی انجام می‌دهیم که در کشورهایشان علیه سیاست‌ها و تبعات این نظام مستقر می‌جنگند!

امروزه سرمایه‌داری نظامی جهانشمول است که راه‌حلی ملی نمی‌تواند پاسخ‌گوی آن باشد. آنچه برای بورژوازی صدق می‌کند، برای کارگران و ستم‌دیدگان حتی بیش‌تر صدق می‌کند. اگرچه، در حالی که بورژوازی‌های ملی در کشمکش و رقابتی امپریالیستی میان خودشان درگیرند، ولی منافع ما و خواهران و برادرانمان در سرتاسر دنیا تفاوتی ندارد. به‌عنوان نمونه درباره‌ی مسأله‌ی حق تعیین سرنوشت و صلح در فلسطین یا کردستان، امکان ارائه‌ی پاسخی منطقه‌ای بسیار ناچیز است. مقاومت آن‌ها با مرزهایی که به‌دست استعمار و امپریالیسم کشیده شده‌اند در تقابل و نبرد است. ما برای انترناسیونالیسمی مبارزه می‌کنیم که - حتی در اروپا - حق تعیین سرنوشت مردم را به رسمیت شناخته و تضمین می‌کند. هملن‌طور که همبستگی ما با این مبارزات برای حق تعیین سرنوشت یک همبستگی فراملی است، تنها یک جنبش فراملی، که مرزهای دیرین، دولت‌ها و روابط مبتنی بر مالکیت را زیر سؤال می‌برد، می‌تواند چشم‌اندازی طولانی‌مدت را پیش نهد.

مقاومت ما به مقاومت‌های بی‌شمار در سرتاسر جهان متصل است. این ارتباط با سایر مبارزات برای ما حیاتی‌ست. کنش‌گری‌هایی در همبستگی با مقاومت‌های دیگر جزئی اساسی از این رویکرد سیاسی هستند. برای این که همبستگی فراملی را هرچه بیش‌تر تقویت کنیم، ما نیازمند تعامل متقابل و همکاری بر مبنای اعتماد در سطح فراملی هستیم. این مهم باید در ساختارهای عملیاتی و سندیکایی و همین‌طور در ائتلاف‌ها و انجمن‌های فعال رقم بخورد.

اجلاس «جی ۲۰» فرصت مغتنم دیگری‌ست که خود را سازمان بدهیم و اعتراض خود را متحدانه به خیابان‌ها بیاوریم. اما مؤلفه‌ی مهم چشم‌انداز و همکاری بعد از این اجلاس است. از این رو، ما همگان را دعوت می‌کنیم تا با مقاومت ما متحد شوند ما را در ساختن بلوک انترناسیونال برای نبرد مشترک همراهی کنند، و با هم درباره‌ی چگونگی ساختن و دستیابی به بدیلی برای سرمایه‌داری، نژادپرستی و هویت‌گرایی گفتگو و کار کنیم.

اجلاس «جی ۲۰» نشست‌های بین‌المللی و توافقات سیاسی علیه ما را پیش می‌برند و _علی‌رغم رقابت و جدال‌هایشان برای باز-تقسیم جهان_ در این رابطه با یکدیگر متحدند. در مقابل، مبارزات ما پاره‌پاره و ناهماهنگ است. ما به یک انترناسیونال ضد-سرمایه‌داری نوین طبقه‌ی کارگر و فرودستان نیاز داریم تا بین مقاومت علیه محروم‌سازی‌های این نظام بحران‌زا و مبارزه علیه سرمایه‌داری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی پل بزنیم.

- در همبستگی با مبارزات کارگران و سندیکاها در سراسر جهان!
- نه به نظامی‌گری داخلی! علیه نابودساختن حقوق دموکراتیک!
- علیه سرکوب زنان، انسان‌های ال.جی.بی.تی.آی.کیو* و جوانان!
- نه به هرگونه مداخله‌ی امپریالیستی! آری به برگرداندن بی‌قید و شرط تمام نیروهای نظامی خارجی!
- نه به نژادپرستی! آری به مرزهایی باز و حقوق شهروندی برابر برای همگان!
- آری به حق دفاع از خود و حق تعیین سرنوشت خود! علیه جرم‌انگاری مقاومت چپ‌ها و تشکل‌های ضد-امپریالیستی!
- در حمایت از مقاومت علیه اشغال و استعمار! همبستگی فراملی با مبارزات رهایی‌بخش در فلسطین و کردستان!
- آری به همکاری‌های فراملی در مبارزه‌ی طبقاتی! برای یک انترناسیونال نوین!

منبع: نسخه‌ی اصلی متن به آلمانی در وبسایت «بلوک انترناسیونال» goo.gl/fPkH95

نسخه‌ی انگلیسی متن goo.gl/udyt5y

ژوئیه ۲۰۱۷ / تیر ماه ۱۳۹۶

پراکسیس

WWW.PRAXIES.ORG